



۰۵ جنوری، ۲۰۲۵

نویسنده: (رابرت رایش - RoberReich)

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز

## ۲۰ واقعیت سیستم امریکائی

یادداشت: رابرت رایش استاد، تحلیلگر و یک نویسنده توانا در رشته اقتصاد سیاسی است که مشاغل متعددی در دولت امریکا داشته است. او وزیر امور کار در اداره بل کلتنن رئیس جمهور سابق امریکا بود و در ادارات جرالد فورد و جیمی کارتر هم ایفای وظیفه نمود. رایش همچنان منحیت مفسر سیاسی و اقتصادی در شبکه های تلویزیونی سی ان ان (CNN) و ام اس ان بی سی (MSNBC) ظاهر میشود. این مضمون با اهمیت به تاریخ ۳۱ دسمبر ۲۰۲۴ به نشر رسید.

حینیکه به پایان یک سال دشوار نزدیک میشویم، مهم است که مبنایی ایجاد کنیم تا ببینیم ترمپ چه اندازه سیستم امریکا را از ۲۰ جنوری به بعد بدتر خواهد ساخت. در اینجا ۲۰ واقعیت فعلی آمده است - برخی از آنها در دوره اول ریاست جمهوری ترمپ به وجود آمد:

۱ - سیاست را فراموش کنید زیرا آن را در رقابت های انتخاباتی بین دموکرات ها و جمهوری خواهان می بینید. به قدرت فکر کن. رقابت اساسی بین اقلیت کوچکی است که بر سیستم حاکم شده اند - در واقع، الیگارشی متشکل از مردان سفید پوست فوق العاده ثروتمند و قدرتمند - و اکثریت قریب به اتفاق کسانی که قدرت کمی دارند یا اصلاً ندارند. از ۲۰ جنوری، الیگارشی بسیار قدرتمند تر خواهد شد.

۲- آنچه را که ممکن است در مورد انتخاب بین "بازار آزاد" و دولت آموخته اید فراموش کنید. بازار نمیتواند بدون دولتی که آن را سازماندهی می کند و در عمل پیاده می نماید، وجود داشته باشد. سوال مهم این است که بازار برای خدمت به چه کسانی سازماندهی شده است. از ۲۰ جنوری، به الیگارشی حتی بیشتر از آنچه قبلاً انجام می دهد، خدمت خواهد کرد.

۳ - اهداف متعارف اقتصادی رشد بالاتر و مفیدیت بیشتر را فراموش کنید. مسله این است که کی از رشد و مفیدیت بیشتر سود می برد و ما رشد و مفیدیت را چگونه تعریف می کنیم. از ۲۰ جنوری، ذینفعان اصلی ترمپ، موسک و دیگر الیگارشی ها خواهند بود. رشد به نوعی که تعریف میشود، تغییرات اقلیم و مناقشات بر سر زمین های قابل کشت و آب شیرین در حال کاهش را حذف میکنند. مفیدیت به معنای حذف هر چیزی است که موسک و راماسومی به عنوان ضایعات تعریف می کنند که طور بالقوه شامل مصارف اجتماعی میشود که بسیاری از امریکائیان به آن وابسته اند.

۴- فریب ادعاهای "مسئولیت اجتماعی شرکتی" را نخورید. بیشتر آن صرف روابط عمومی است. الیگارشی مخالف آن چیزی است که آن را "بیداری" یا تلاش برای متنوع ساختن، عادلانه کردن و عمومیت بخشیدن شرکت ها می نامد. اما بسیاری از به اصطلاح "مسئولیت اجتماعی شرکتی" به هر حال جعلی است. شرکت ها به طور داوطلبانه مفاد سهامداران را قربانی نمی کنند مگر اینکه قوانین ایجاب نماید.

۵- حتی آنموقع، نسبت به قوانین شک داشته باشید، مگر اینکه با حمایت و تضمین مجازات به مرحله جرا درآیند. زمانیکه مجازات نقض قوانین به تناسب منافع ناشی از شکستن آن قوانین ناچیز است، شرکت های بزرگ و ثروتمندان مافوق قوانین را نادیده می گیرند. جریمه ها صرفاً مصارف تجارت شمرده میشوند. موسک و ترمپ نمایشگاه الف و ب هستند.

۶- تصور نکنید که ما در نبرد بین سرمایه داری و سوسیالیسم گرفتار شده ایم. ما از قبل سوسیالیسم داریم - برای ثروتمندان. مدیران عامل امروزی بیش از ۳۰۰ برابر حقوق کارکنان معمولی خود عاید دارند (در مقایسه با ۶۰ برابر در دهه ۱۹۷۰). مدیران عالیرتبه که توسط هیئت مدیره خود اخراج می شوند، چترهای طلائی به ارزش چندین برابر عاید سالانه خود دریافت می کنند. این در حالی است که ۶۰ درصد از ثروت ملت در دست وارثانی است که هرگز آن را پیدا نکرده اند. اکثر امریکائی ها در معرض خشن ترین نظام سرمایه داری در میان کشور های پیشرفته قرار دارند.

۷- "رقابت ملی" را به عنوان سودبخشی شرکت های بزرگ امریکائی تعریف نکنید. شرکت های "امریکائی" اکنون جهانی هستند و هیچ وفاداری به امریکا ندارند. این شامل اسپیس ایکس و تسلا موسک می شود که کارخانه های بزرگی در چین دارند و به آن کشور می فروشند.

۸- رقابت ملی واقعی در سودمندی مردم امریکا نهفته است. این به تحصیلات و سلامت آنها و زیربنائی که آنها را به هم پیوند می دهد، بستگی دارد. اما ما مصرف نسبتاً کمی برای آموزش اطفال فقیر می کنیم. ما بیشتر از هر کشور پیشرفته دیگری برای مراقبت های صحتی هر فرد مصرف می کنیم، اما بدترین نتایج را نسبت به هر کشور پیشرفته ای دیگر داریم. زیربنا های ما هنوز خیلی از زیربنا های چین عقب است.

۹- به ساختار اقتصاد نگاه کنید، نه به نشیب و فراز های تجارتي. گزارش اقتصادی تقریباً منحصراً بر دوران تجارتي متمرکز است: خطرات تورم و رکود. تمرکز باید بر روی تغییرات ساختاری و سیستمی باشد که باعث شده است ثروت و قدرت عده ای معدود در ۴۰ سال گذشته به بهای بسیاری - مانند قوانین کار و قوانین ضد انحصار - به طور چشمگیری افزایش یافته است. از ۲۰ جنوری، قوانین کار کارگران را از تشکل منصرف می کند و قوانین ضد انحصار به شکوفائی انحصارات اجازه می دهد.

۱۰- این تصور کهنه را فراموش کنید که شرکت ها با بهتر شدن، ارزان تر شدن یا سریع تر شدن نسبت به رقبا خود موفق میشوند. آنها اکنون عمداً با افزایش قدرت انحصاری خود موفق می گردند و مصرف کنندگان و کارگران را با بدیل های کمتری رها می کنند. پس از ۲۰ جنوری انتظار ادغام ها، تملک ها و اقدامات انحصاری بیشتری را داشته باشید.

۱۱- هر گونه تعریف عنعنوی از امور مالی را فراموش کنید. به عوض، یک کازینوی عظیم قمار را فکر کنید که در آن شرط بندی بر روی جریان های زیادی از پول صورت می گیرد و شرط بندی روی آن شرط ها (به نام مشتقات) انجام میشود. میتوان متوقع بود که ترمپ و موسک مقررات مالی را بیش از پیش کاهش دهند. به خصوص به ارزهای دیجیتال و اعتبار خصوصی توجه کنید. هر دو احتمالاً سقوط های بزرگی را در دوران ترمپ تحمل خواهند کرد.

۱۲- تصور نکنید که دیو های مالی بلیونر که صندوق های تامینی و صندوق های سرمایه گذاری خصوصی را اداره می نمایند، ابزارهای بهتری برای پیش بینی سیر بازار نسبت به دیگران دارند. آنها بهتر از هر کس دیگری به اطلاعات داخلی دسترسی دارند. کمیسیون بورس و اوراق بهادار طور پیوسته به آنها اجازه داده است از دسترسی به اطلاعات داخلی بهره مند شوند. انتظار داشته باشید که در دوران ترمپ، کمیسیون بورس و اوراق بهادار حتا بیشتر به آنها اجازه دهد.

۱۳- پیشنهادات سیاسی جذاب را با تغییرات سیستمی اشتباه نگیرید. حتی در صورت تصویب، سیاست های جذاب حداکثر مشکلات سیستمی را کاهش می دهد. حل این مشکلات سیستمی

مستلزم تغییر در تخصیص قدرت است. از ۲۰ جنوری، بزرگترین مشکلات سیستمی - تغییرات اقلیم، تکثیر سلاح های هسته ای و هوش مصنوعی - احتمالاً بسیار تهدید کننده تر خواهند شد.

۱۴- سیستم را پایدار فرض نکنید. سیستم از طریق دوره های تسلسل و دوران های عقیف حرکت می نماید. ما در حال حاضر در یک دور تسلسل هستیم که در آن ثروت عظیم به قدرت سیاسی تبدیل شده است تا قوانین بازی را تغییر دهد - مالیات، نیروی کار، ضد انحصار، ورشکستگی و امور مالی - به نوعی که ثروتمندان را حتی ثروتمند تر می سازد و اغلب به کسانی که ثروتمند نیستند آسیب می رسانند. پس از ۲۰ جنوری در انتظار به مراتب بدتر باشید.

۱۵- باور نکنید که سیستم یک نظام شایسته سالاری است که در آن توانائی و سخت کوشی لزوماً پاداش می گیرد. امروزه مهمترین عامل پیش بینی کننده درآمد و ثروت آینده یک فرد، درآمد و ثروت خانواده ای است که در آن متولد شده است. طی ۱۵ سال آینده، زمانیکه ثروتمندان می میرند و ثروت خود را به فرزندان خود به ارث می گذارند، امریکا شاهد بزرگترین انتقال بین نسلی ثروت در تاریخ خود خواهد بود. کاهش مالیات توسط ترمپ همه اینها را بدتر خواهد کرد. الیگارشسی به یک اشرافیت تبدیل خواهد گردید.

۱۶- نژاد را از طبقه جدا نکنید. تبعیض نژادی شکاف طبقاتی را تشدید می کند و نابرابری گسترده تر شکاف های نژادی را بدتر میسازد. اما طبقه بسیار با اهمیت است و اکثر امریکائی ها در طبقه کارگر قرار دارند - بدون امنیت شغلی و با توجه به تورم، دستمزد صرف اندکی بالاتر از ۴۰ سال پیش دارند. از ۲۰ جنوری، این شکاف بیشتر خواهد شد. طبقه متوسط حتی بیشتر کاهش خواهد یافت. الیگارشسی حتی ثروتمند تر خواهد شد.

۱۷- تفاوت های قدیم بین مشاغل "یخن آبی" و "یخن سفید" را فراموش کنید. یک درجه تحصیلی پوهنتونی چهار ساله، بخصوص از یک کالج یا پوهنتون معتبر، اکنون مهمترین وسیله فرصت ساز واقعی است. با وجود لفاظی های پوپولیستی ترمپ، انتظار نداشته باشید که این وضعیت در دوران ترمپ تغییر کند.

۱۸- طور سیستمی فکر کنید. همانطور که اشاره شد، درآمد اکثر مردم راکد است و شغل آنها از امنیت کمتری برخوردار است. این واقعیت ها را با تغییرات اقلیمی ترکیب کنید که رقابت برای زمین های قابل کشت و آب آشامیدنی در سراسر جهان را تشدید میکند و جریان های بیشتری از پناهندگان و مهاجران را ایجاد می نماید. این به عوام فریبانی مانند ترمپ اجازه می دهد تا با ملامت کردن مهاجران به دلیل عواید راکد و ناامنی اقتصادی، تعصب را تقویت کنند.

پس از ۲۰ جنوری، ترمپ وعده داده است که حداقل ۱۱ میلیون نفر در ایالات متحده را که فاقد مدرک هستند، اخراج خواهد کرد.

۱۹- ماهیت قدرت را درک نمائید - کی و چرا قدرت را در دست دارد، چگونه از آن استفاده می شود و برای چه اهدافی. قدرت به معنای پاسخگو نبودن در قبال اعمالی است که به دیگران صدمه می زند اما قدرت و ثروت شما را افزایش می دهد. قدرتمندترین های امروزی عبارتند از ترمپ، ایلان موسک، پیترو تیل، دیوید ساکس، روپرت مرداک، جف بزوس، استفن آ. شوارتزمن، جیمی دیمون، ساموئل آلیتو و کلارنس توماس.

۲۰- قدرت و ثروت را جدا ندانید. ثروت بزرگ از قدرت بزرگ سرچشمه می گیرد. قدرت بزرگ به ثروت زیاد بستگی دارد. ثروت و قدرت ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. بعد از ۲۰ جنوری آنها یکی می شوند.

من قصد ندارم که این ۲۰ واقعیت شما را نسبت به این سیستم بدبین تر سازد یا تسلیم ناسازگاری آن نماید. برعکس، اولین قدم برای تغییر سیستم، درک آن است. ما باید ببینیم که سیستم امروز در کجا قرار دارد تا بتوانیم مبنائی برای سنجش میزان بدتر شدن آن در دوران ترمپ و دست اندرکارانش در کانگرس و ستره محکمه داشته باشیم.

مشاهده سیستم به شکلی که هست و در دوره دوم ریاست جمهوری ترمپ چگونه خواهد بود، به شما این قدرت را می دهد که با دیگران برای مقاومت در برابر ترمپ بپیوندید و در نهایت سیستم را به سمت بهتر شدن تغییر دهید.

پایان